

نگاهی به متغیرهای اثرگذار بر دستیابی صفویه به قدرت

نقیسه واعظ شهرستانی^۱

سرآغاز

ظهور فرزندان صوفی تبار شیخ صفی‌الدین در صحنه قدرت در نخستین دهه قرن دهم هجری قمری و اعلام مذهب شیعه اثنی‌عشری به عنوان مذهب رسمی و شهرت یافتن به مجدد عظمت و وحدت ملی ایران، رابطه ویژه دین و دولت و نفوذ مجتهدان در حکومت دنیوی صفویه، کشمکش‌های مداوم میان اهل قلم و شمشیر و کارزار طولانی با همسایگان برای القای قدرت و تثبیت مرزها و شمار دیگری از موضوعات، تحقیق و بررسی در دوره صفویه را با مهم و جذاب ساخته است.

اما در این نوشتار بی‌آنکه قصد واکاوی و تعمق در ریشه‌های عمیق سیاسی، فرهنگی، و اجتماعی برآمدن صفویان را داشته باشیم، تنها قصد داریم تا عوامل زمینه‌ساز نیل و استقرار قدرت صفویه در ایران قرن دهم را مرور کنیم.

فرض این نوشتار هم به این قرار است که: صفویه از پشتوانه‌هایی چون پشتیبانی مردمی و مشروعیت و آشنایی با قواعد بازی قدرت در ایران برخوردار بوده است و با کاربست تاکتیک‌های موثر، موفق به استقرار قدرت و برپایی دولت صفویه در جایگاه یکی از دیرپاترین حکومت‌های پس از ورود اسلام به ایران شد. اما به راستی چه نیرویی این قدرت را به بنیانگذار سلسله صفوی بذل کرد که قادر شد پس از قرن‌ها تکه‌پاره‌های ایران را به هم آورد و سر فرود آمده ایران را برکشد و آن را از حلقوم امپراتوری عثمانی بیرون آورد؟ و آخرین بازمانده تیموری، سلطان حسین میرزا بایقرا را از خراسان و آسیای میانه بتاراند و به ضربت

۱. استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا.

نگاهی به متغیرهای اثرگذار بر دستیابی صفویه به قدرت/ نفیسه واعظ شهرستانی

دیگری شبیک‌خان ازبک را از صحنهٔ ماوراءالنهر براندازد و سر پُر کاهش را به بابِ عالی بفرستد؟ گرچه اسماعیل پایه‌گذار دولت صفوی به مانند برخی دیگر از پایه‌گذاران حکومت‌ها و سلسله‌ها «بخت‌یار»^۱ بود، اما همهٔ راز و رمز نیل به قدرت را نمی‌توان در بخت‌یاری اسماعیل خلاصه کرد. او به پشتوانهٔ زمینه‌سازی‌های کارآمد اسلافش و به یمن درایت و موقع‌شناسی و درک «آن تاریخی» رویکرده به فرزندزادگان شیخ صفی و برخورداری از استراتژی توانست سنگ‌بناهای مستحکمی برای دولتی بنیاد گذارد که دو قرن در ایران به درازا کشید.

پشتوانه‌های سیاسی و فکری صفویه

از دید نویسندهٔ این مقاله، برخی از پشتوانه‌ها و متغیرهای اثرگذار در به قدرت رسیدن صفویان به اختصار عبارتند از:

۱. مشروعیت خاندان شیخ صفی

عواملی چون شهرت شیخ صفی و تبارش به زهد و خداترسی و دنیاگریزی، تبار والا و نفوذ معنوی در اردبیل و فرای مرزهای ایران و اهتمام آنان به جنگی با صبغهٔ مذهبی در جریان جنگ با چرکس‌ها، زمینه‌ساز مشروعیت صفویه در ابتدای کار و جلب پشتیبانی مردمی از پایه‌گذار این دولت شد. یکی از دلایل پیشرفت اولیهٔ خاندان شیخ صفی آن بود که از اوایل قرن هفتم به گونهٔ روزافزونی بر شهرت آنان به تقوی و تدین افزوده می‌شد و مریدانی از دور و نزدیک و حتی از آن سوی مرزها به سوی بقعهٔ شیخ صفی سرازیر می‌شدند و «احترام و ولایت معنوی خاندان شیخ صفی در نزد شاهان وقت پذیرفته می‌شد»^۲ و از این‌رو صفویه موقعیتی اساساً متفاوت با بنیانگذاران جنگاور از سلسله‌های قبلی یافت که عمدتاً به اتکای توانایی‌های نظامی قدرت را به قبضه خود در می‌آوردند. به این ترتیب، برخی از مردم ناراضی از حکومت‌های محلی و استیلای بیگانگان بر ایران، آرزوی پیروزی صفویان را داشتند. چه به زعم آنان، برعکس غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان که یک راست از غلامی و بی‌نام و نشانی، بر تاج کیانی ایران دست یافته بودند و اغلب خلق و خوی نوکری و خربندگی خود را حفظ کرده بودند، اسماعیل از خاندانی مشروع، متدین و متنفذ برخاسته بود و پیش از جلوس بر سریر سلطنت، بر قلوب قسمتی از مردم ایران حکفرمایی می‌کرد.

افزون بر آن، کشته شدن شیخ جنید و شیخ حیدر در جنگ، در حالی که در کسوت معنوی صوفیانه بودند سبب برانگیختن همدلی توده‌ها شد و مردم در هیجان خونخواهی مرشدان خود مشارکت نمودند، چنانچه

۱. برای آگاهی از نقش بخت و اقبال در قدرت‌نک: دودینگ، کیت. قدرت، ترجمه عباس مخبر، تهران: آشیان، ۱۳۸۰، ص ۷۱ به بعد.

۲. منشی، اسکندریگ. عالم‌آرای عباسی، ج ۱، تهران: انتشارات امیرکبیر و تایید اصفهان، ۱۳۵۰، ص ۱۹.

نگاهی به متغیرهای اثرگذار بر دستیابی صفویه به قدرت/ نفیسه واعظ شهرستانی

قزوینی می‌نویسد: «وقتی اسماعیل در تدارک گردآوری سپاهی برای خوانخواهی پدر بود مردم در اثر هیجان آن کشتارها»^۱ با تمام نیرو به یاری جنبش برانگیخته شدند.

۲. بهره‌گیری از تجربه و دستاوردهای حکومت‌های پس از ورود اسلام در ایران

از سیاست‌کرداری صفویه چنین بر می‌آید که آنان از حافظه تاریخی خود برای احتراز از تکرار خطاها و غنیمت‌شماری فرصت‌ها و آشنایی با قواعد بازی قدرت در ایران، در پی‌افکنی شالوده قدرت خود بهره گرفتند چرا که فراز و فرودهای مهم تاریخ ایران بعد از اسلام، دلالت بر آن داشت که:

در نبرد سرنوشت‌ساز «تهانوند» عرب‌ها با چنگ یازیدن به پویایی و پرباری دین اسلام به فتح ایران کامیاب شدند. در سپیده‌دم آن فتح، نه تنها اندوهی در دل ایرانی‌ها راه نیافت، سهل است که تعالیم و آموزه‌های غنی اسلامی، شادابی را در کالبد فرسوده جامعه دین‌زده عصر ساسانی دمید که فساد و استبداد دینی موبدان امان را از مردم بی‌دفاع ربوده بود.

اما با گذشت زمان و سیطره میراثداران ناشایست اموی در حکومت اسلامی و فزونی تعدیات امویان که از نام شکوهمند حضرت رسول (ص) و از دین والای اسلام به سود خود بهره می‌جستند، سبب شد ایرانی‌ها در براندازی خاندان بدنام اموی شرکت جویند.

بدین‌سان یک چند، خاندان ایرانی برامکه فراست و فن دیوانسالاری خود را در جهت اعتلای حکومت عباسی به کار گرفتند، اما موفق به اعاده استقلال ایران نشدند. چندی بعد طاهر ذوالیمینین در آدینه روزی، در پوششگ خراسان نوای استقلال از بارگاه خلفای عباسی را با حذف نام خلیفه در خطبه نماز جمعه سر داد. به دنبال او عمرو و یعقوب لیث صفاری، رویگرزادگان سیستانی، تلاشی دیگر برای انتزاع مملکت خود از سیطره عباسیان ساز کردند و حتی به جنگ با خلیفه در دیرالعاقول تن در دادند. همزمان، امیران سامانی با اتکا به نخبگان فرهنگی و دستیابی به مقبولیت ملی و مشروعیت و ارائه الگویی از میهن‌دوستی خردورزانه و با نوآوری، به تقویت بنیه‌های فرهنگی ایران همت گماشتند.

برخی از راهکارهایی که سامانیان برای تأمین، تضمین و تثبیت قدرت به آن تمسک جستند عبارت بود از: تأمین ثبات سیاسی با حفظ رابطه دولت و مردم، کوشش برای پیشرفت اقتصادی و مشارکت فرزندان در قدرت و احیای روح و ملیت ایرانی و در عین حفظ هویت ایرانی. سامانیان در تکاپوی زیرکانه، وابستگی اشرافی‌شان را به ساسانیان با برقراری رابطه با دستگاه خلافت تغییر دادند و دیوانخانه‌ای در بخارا جهت رسیدگی به حقوق مردم بنا کردند و خاطره حکومتی عادل از خود به جا گذاشتند.^۲

در تکاپویی دیگر، برادران ماهیگیر بوئی، ارادت به خاندان عدالتخواه علی(ع) را طرح نموده و داغ ستم و

۱. قزوینی، ابوالحسن. *فوائد الصفویه*، ص ۶، به نقل از مریم میراحمدی، *دین و دولت در عصر صفوی*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۹، ص ۴۷.

۲. واعظ، نفیسه. *سامانیان، سپهراندیشگان نخبه‌گرای قرن سوم و چهارم هجری*، فصلنامه فرهنگ اصفهان، شماره ۳۹، بهار ۱۳۸۷، ص ۵۸.

نگاهی به متغیرهای اثرگذار بر دستیابی صفویه به قدرت/ نفیسه واعظ شهرستانی

فشار طاقت‌فرسای حکومت پرفریب عباسی را به این بهانه ستاندند و این همان ادعایی بود که چندین قرن بعد مریدان شیخ حیدر صفوی از زبان اسماعیل میرزا سر دادند. آل‌بویه، در روی برتافتن از دستگاه خلافت به تاکتیک بدیعی دست یافتند تا بر آستان خلافت نامشروع عباسی سر نیاسایند. در پندار آنان، آل‌بویه در نبرد سیاسی با نهاد کهن خلافت، توان برابری نداشت و ناگزیر می‌شد پیش از در آغوش گرفتن شاهد پیروزی عطای حکومت را به لقای آن ببخشد. اما با ادعای ارادت و دوستی خاندان نام‌آور امیر مؤمنان حضرت علی(ع) و تبار مظلوم و پاک او در نبردی ایدئولوژیک و با بسیج طیف نیروهایی که دوستی علی(ع) و ضدیت با ستمگران عباسی وجه مشترکشان بود، هم به استراتژی استقلال آل‌بویه از خلفای نیرنگ‌باز عباسی نائل می‌شدند و هم در راهکار «رسمی نمودن تمام و کمال مذهب شیعه»^۱ گرفتار نمی‌آمدند و فقط به تبلور جلوه‌هایی از حکومت شیعی اکتفا کرده و از تحقق میانی راستین شیعه سر باز می‌زدند.

با برکناری مشاوران ایرانی از دربار عباسیان، ترکان جای آنان را گرفتند و بدین نحو دوران انحطاط و سراسیمگی منحنی قدرت عباسیان فرا رسید. ایامی که بسیار طولانی بر ملت ایران گذشت؛ خشونت ترک‌ها به تعصبات دیرین گذشته افزود و هر روز سرزمین ایران میان سرداران و داعیه‌داران مختلف، در روزگار حکومت غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان به پاره‌هایی تقسیم می‌شد و آنان هر روز به دنبال سالار و سرداری پا از مرزهای خود بیرون می‌گذاشتند. یک روز در معیت سپاه محمود غزنوی به غزای هند می‌رفتند و کشان کشان «بت سومنات» را به غزنین می‌بردند؛ روز دیگر، سلطان سلجوقی آنان را تا دوردست‌های روم شرقی به دنبال خود می‌کشاند و دیگر روز، سخت دست اندر کار توطئه‌های زنانه در دربار خوارزمشاهیان می‌شدند. «تازیانة الهی» به تعبیر عطاملک جوینی در سال شوم ۶۱۶ع بر سرزمین ایران به سختی فرود آمد و در یغا که فرمانده لایقی بتواند در آن هنگامه سخت از کیان ایران و ایرانی به دفاع برخیزد و چنین شد که در نبود نخبگانی بافراست و دلیرانی رزمجو، از تعقیب و گریزهای جلال‌الدین خوارزمشاهی به قهرمانی یاد می‌شود. جلال‌الدین که در بحبوحه کارزار هم نمی‌توانست از مستی‌های شبانه‌اش چشم‌پوشد؛ در شعری شماتت‌آمیز، اینچنین مورد خطاب قرار گرفته است:

شاهها ز می‌گران چه بر خواهد خواست؟
وز مستی بیکران چه بر خواهد خواست؟

شه مست، جهان خراب، کار دنیا پس و پیش
پیداست کزین میان چه بر خواهد خواست!

در روزگار ایلخانیان که گاه نامی از ایران در سرزمین ایران می‌رفت، چه در هر حال عظمت رصدخانه مراغه چنان بود که ناگزیر اذهان را به یاد آن خراسانی خردمند، خواجه نصیرالدین طوسی می‌انداخت و سپهراندیشگی وزرای خردمندی چون جوینی‌ها «ایران انکاری» را امکان‌ناپذیر می‌ساخت. با سپری شدن دوران فترت پس از ایلخانیان، ایران در معرض هجوم متجاوزان سپاه تیمورلنگ قرار گرفت و جراحاتی

۱. برای آگاهی از سیاست مذهبی آل‌بویه و دلایل سیاسی بودن اقدام آل‌بویه نک: واعظ، نفیسه. نگرشی بر سیاست مذهبی آل‌بویه و گرایش مذهبی صاحب بن عباد، فصلنامه فرهنگ اصفهان، شماره ۲۱، زمستان ۱۳۸۰، ص ۳۲.

نگاهی به متغیرهای اثرگذار بر دستیابی صفویه به قدرت/ نفیسه واعظ شهرستانی

عمیق بر پیکر آسیب‌دیده‌اش وارد گردید. سپس ایران شاهد کر و فرهایی گردید که به نام استقلال‌طلبی در میان خوانین محلی ایران به راه افتاده بود. نوبت به خاندان محلی ترکمانان آق‌قویونلو رسید، خاندان صفوی پس از آن که از استظهار نماینده‌ی عاقل آق‌قویونلو (اوزون حسن) بهره جست، به حکم اقتضای سیاسی به نبرد با شروانشاه و یعقوب آق‌قویونلو پرداخت و با اتکا به ایمان و اطاعت مطلق مریدان صوفی خود و چند قبیله‌ی منتفد، بر سایر بلاد ایران نیز دست یافت. شاه اسماعیل در سال ۹۰۵ق با تاجگذاری در تبریز، به تعبیری جشن استقلال و وحدت ملی ایران را پس از هشتصد و اندی سال بر پا داشت و بنیانگذار دولت شیعی و مجدد بلندآوازی نام ایران کهن شد.

به این ترتیب احتمال می‌رود که صفویه با درنگی در همه‌فراز و فرودهای فوق‌الذکر از سامانیان این نکته را آموخته باشد که در این سرزمین تاجچه اندازه بزرگداشت سنن، میراث و التفات به مفاخر ایرانی برای استقرار و به ویژه تثبیت قدرت کارساز است و از عملکرد آل‌بویه دریافته باشد که توده‌های مردم، تشیع را در جایگاه مذهبی رهایی‌بخش می‌بینند که آنان را از زیر سلطه زورگویان حکومتی رهایی می‌بخشد. لذا صفویه با تلفیق این دو تجربه اسباب تکوین و دیرپایی حکومت خویش را فراهم کرد.

۳. رسمی نمودن مذهب تشیع در ایران

اسکندریبگ منشی درباره‌ی چگونگی رسمیت یافتن مذهب تشیع به فرمان شاه اسماعیل با دیدی جانبدارانه چنین می‌نویسد: «رسوم مبتدعه ارباب ضلال مندفع گشته، شیعیان اهل بیت طیبین و طاهرین که تا غایت به تقیه زندگی می‌کردند، علانیه شعار مذهب حق امامیه پیش گرفتند.»^۱ متعاقب آن به فرمان اسماعیل خطبه به نام دوازده امام خوانده شد و به اذان و اقامه «اشهد ان علیاً ولی الله» و «حی علی خیر العمل» افزوده شد. درباره‌ی چرایی رسمی نمودن تشیع به فرمان شاه اسماعیل دیدگاه‌های مختلفی طرح شده که در این نوشتار تنها به ذکر دو مورد از انگیزه‌های داخلی و خارجی بسنده می‌شود:

الف) انگیزه داخلی

ارادت تاریخی ایرانی‌ها به مذهب تشیع و امام علی(ع) با آغاز ظهور تشیع گره خورده است. تشیع در تاریخ بعد از اسلام در ایران پیوند تنگاتنگی با نفوذ ایرانیان در دستگاه خلافت عباسی یافت و بیشتر به علل سیاسی در ایران گسترش پیدا کرد و به ایدئولوژی سیاسی - مذهبی تبدیل شد که در دل توده‌های تحت ستم رسوخ و نفوذ ویژه‌ای یافت و جنبش‌های مردمی - شیعی مانند زیدیه، غلات، اسماعیلیه و کیسانیه را علیه حکام وقت رهبری کرد. صفویان در تبارسازی زیرکانه‌ای خود را منسوب به خاندان علی(ع) کردند و در این تبارسازی سیاسی هیچ ابایی نداشتند که مستوفی پنج سال پس از مرگ شیخ صفی به صراحت در نزهة القلوب بنویسد که «مردم اردبیل اکثر بر مذهب امام شافعی‌اند و مرید شیخ صفی علیه‌الرحمه».^۲ با

۱. اسکندریبگ منشی، عالم‌آرای عباسی، ج ۱، ص ۴۷.

۲. مستوفی، حمدالله. نزهة القلوب، ص ۹۲.

نگاهی به متغیرهای اثرگذار بر دستیابی صفویه به قدرت/ نفیسه واعظ شهرستانی

سیاست اعلامی شیعه‌گرایی، صفویان محبت‌های بسیاری را به خود جذب نمودند. این طور به نظر می‌آید که تشیع در دست صفویه ملاط و خمیر مایه‌ای را مهیا کرد که به مدد آن صفویان توانستند پراکندگی کانون‌های قدرت را در ایران تبدیل به وحدت سیاسی زیر نام ایران سازند.

ب) انگیزه خارجی

اعلام مذهب تشیع در ایران به واقع نوعی مبارزه‌طلبی با ممالک سنی مذهب اطراف ایران به شمار می‌رفت و ملاک و معیاری برای شاه اسماعیل و جانشینانش در سنجش دوستی و یا دشمنی با صفویه شد. برای نمونه و با درک همین تلقی بود که وقتی ظهیرالدین محمد بابر رفتار جوانمردانه شاه اسماعیل را با خود دید، در سمرقند «به عنوان تشکر و ادای سپاس به نام شاه اسماعیل سکه زد و خطبه خواند»^۱ احتمال می‌رود شاه اسماعیل برای سد نمودن پیشرفت عثمانی و ازبکان سنی در غرب و شرق قلمرو صفویه به سیاست رسمی‌سازی مذهب تشیع روی آورد و به تعبیری جزیره‌ای شیعی در قلب اقیانوس سنی مذهب در میان همسایگان خود ایجاد کرد. بدین ترتیب القای باور به «علوی دانستن»^۲ شهریاران صفوی، به آنان در نبرد با سنی‌ها کمک می‌کرد. شاه اسماعیل، زیرکانه از این موضوع در جنگ با عثمانی بهره‌برداری می‌کرد و پیروزی‌های خود را منسوب به حمایت معنوی امامان شیعی قلمداد کرد. مثلاً وقتی وی بر شیبیک‌خان ازبک سنی غلبه یافت و استیلای «دولت شیعی قزلباش»^۳ را بر خراسان بزرگ مسجل ساخت در نامه‌ای به سلطان بایزید عثمانی نوشت: «مسموع شد که در مجلس تو مذکور می‌شده که غریب دولتی در سر شیبیک‌خان می‌بینم. آن سری که تو پُر از دولت دیده بودی به عون الهی و امداد ائمه طاهرین پُر از گاه کرده به جهت تو فرستادیم.»^۴

۴. یگانه‌شماری دین و دولت

یکی از عوامل کارساز در کسب و تداوم قدرت صفویه، تغییر اندیشه خاندان شیخ صفی از شهرت به خوارشماری دنیا تا سیاست عملی آمیخته‌سازی ایدئولوژی شیعه و دولت بود و با یگانه‌شماری دین و دولت، بر بسیاری از موانع بازدارنده در دستیابی به قدرت در آغاز راه، غلبه کردند. این خط مشی به یک‌باره صورت نگرفت و مسیری نسبتاً طولانی را سپری کرد. جد این خاندان «شیخ صفی‌الدین» از عرفای پرآوازه زمانه خود بود و به خدمت شیخ زاهد گیلانی مشرف شده و به افتخار مصاهرت او نیز رسیده و دختر او بی‌بی فاطمه را به زنی گرفته بود. گویی شبی در خواب دید شمشیری در میان و کلاهی بر سر دارد و چون کلاه

۱. نوایی، عبدالحسین. روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفویه، تهران: سمت، ۱۳۷۷، ص ۴۰.

۲. هینتس، والتر. تشکیل دولت ملی در ایران حکومت آق‌قویونلو و ظهور دولت صفوی، ترجمه کیکاووس جهانداری،

تهران: خوارزمی، ۱۳۶۲، ص ۲ به بعد.

۳. این تعبیر را از این اثر وام گرفته‌ام، نوایی، پیشین.

۴. همان، ص ۷.

نگاهی به متغیرهای اثرگذار بر دستیابی صفویه به قدرت/ نفیسه واعظ شهرستانی

از سر بر می‌دارد آفتابی از فرقه‌ش طالع می‌گردد که عالم را روشن می‌کند. خوابش را چنین تعبیر کردند که در صلب تو پادشاهی ظهور خواهد کرد و چون آفتاب بر عالم خواهد تابید.

بنابراین چندان به خلاف نخواهد بود اگر بگوییم حتی جد صفویان را میلی بود تا خرقة پشمینه صفویان را به جامه فرمانروایی دنیوی مبدل سازد ولی صلاح را در آن دید که همچنان مرشد صفویان باقی بماند. آوازه شهرت صوفیانه‌اش چنان کرد که هر ساله از دربار ایلخانان، به مناسبت مبعث حضرت محمد(ص) مقداری روغن و قند و عسل و گوسفند^۱ هدیه دریافت می‌کرد و حتی کار به جایی رسید که آوازه خداترسی و تقوایش سبب شد که از عثمانی نیز هدایای بسیار و مبالغی پول به نام «چراغ آقچه‌سی»^۲ (پول روشنایی و چراغ) به اردبیل برسد. پس از شیخ صفی فرزندش صدرالدین و سپس خواجه علی یا سلطانعلی به رهبری صفویان رسیدند. او از «فتیان و اوتاد اولیاء»^۳ به شمار می‌رفت و تلاش کرد تا حد امکان میراث معنوی و سیاسی پدرش را حفظ کند. آنچنان که از منابع بر می‌آید گویی او نخستین پیشوای صفوی بود که لقب پادشاه بر خود نهاد و به اعتقاد سیوری، استفاده از القاب «سلطان»، «پادشاه» به وضوح نشان از آن داشت که صفویان صفوی «سودای قدرت»^۴ در سر می‌پروراندند. اما خواجه علی بزرگ مردی در خاندان صفویه بود که برای نخستین بار او به مذهب شیعه گروید یا اینکه شاه اسماعیل از دنباله اسم خواجه علی موسی سود جست و خود را موسوی و منسوب به امام موسی کاظم نامید.

در فراز بعدی تحولات مرتبط با موضوع، دیدار تاریخی و سرنوشت‌ساز تیمور با خواجه علی در اردبیل دگرگونی دیگری را در سرنوشت این خاندان رقم زد. بنا به فرمان تیمور، دهات و اراضی بسیاری وقف خاندان صفوی گردید و خانقاه صفوی امتیاز اماکن مقدسه را دریافت کرد تا اگر مجرمان به خانقاه پناهنده شوند احدی را یارای تعرض به آن‌ها نباشد. حتی به خواهش خواجه علی، تیمور اسرای را آزاد کرد که از عثمانی آورده بود و اینان در جرگه نابت‌ترین و مخلص‌ترین مریدان شیخ قرار گرفته و به «صوفیان روملو» شهرت یافتند و نقشی اساسی را به همراه قبایل دیگر چون استاجلو، افشار، ذوالقدر، قاجار و تکلو در به قدرت رسانیدن اسماعیل صفوی ایفا کردند. شایان یادآوری است که مورخ نامدار عهد صفوی اسکندربیک منشی داستان وقف تیمور برای خواجه علی را ساختگی می‌داند و با نکته‌سنجی می‌نویسد: «بین جمهور چنین مشهور است... و گرچه این روایت در کتب تاریخ و حالات منظوم و منثور این سلسله به نظر احقر نرسیده اما از غایت شهرت و تواتر افواه و السنه به تحریر آن پرداختم»^۵

پس از خواجه علی پسرش ابراهیم که به «شیخ شاه» شهرت داشت و نوه‌اش شیخ جنید یکی پس از

۱. مکاتبات رشیدی، به کوشش محمد شفیع، چاپ لاهور، ۱۳۶۴، به نقل از هیئتس، ص ۳.

۲. هیئتس، پیشین، ص ۴.

۳. مجالس‌المومنین شوشتری، ج ۲، ص ۴۴.

۴. برای آگاهی بیشتر نک: سیوری، راجر. در باب صفویان، ترجمه رمضانعلی روح‌الهی، تهران: مرکز، ۱۳۸۰، ۲۸.

۵. برای آگاهی از شیوه تاریخ‌نگاری اسکندربیک نک: واعظ، نفیسه. نقد و ارزیابی تاریخ‌نگاری اسکندربیک در عالم‌آرای عباسی، ماهنامه کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، سال ششم، شماره ۹-۸ خرداد و تیر ۱۳۸۲، ص ۹۶.

نگاهی به متغیرهای اثرگذار بر دستیابی صفویه به قدرت/ نفیسه واعظ شهرستانی

دیگری به زعامت خانقاه صفوی رسیدند و شمار مریدان افزون شد. شیخ جنید که والتر هینتس از او به نام مردی «ناراحت، بی‌آرام و قرار»^۱ یاد می‌کند به صراحت از نیات دنیوی خود پرده برداشت و «داعیه سلطنت صوری»^۲ و در واقع ادعای حکومت کرد. شیخ جنید با نوآوری‌ها و جسارت‌های سیاسی، زمینه لازم اما در هر حال ناکافی را برای تکوین قدرت صفویان مهیا نمود و سرانجام مرد متهور خاندان شیخ صفی در راه مقاصد مادی- معنوی مآب در ۸۶۴ق جان سپرد.

آنگاه پسرش حیدر ناگزیر شد در نه سالگی به اردبیل رود و بعدها با مارتا دختر اوزون حسن از همسر طرابوزانی‌اش (دسپینا خاتون) ازدواج کند و اسماعیل بنیانگذار صفویه مولود آن ازدواج بود. حضور حیدر در اردبیل سبب شد که پیروان و مریدان او از آسیای صغیر و سوریه به ایران سرازیر شوند و او را ستایش کرده و مقام الوهیتی برای او و فرزندش اسماعیل قائل شوند. اما با رحلت اوزون حسن، اوضاع سیاسی واژگون گردید و پناهندگان دیروز به خصم امروز تبدیل شدند و روابط شیخ حیدر با پسر دایی آق‌قوینلوایش یعقوب تیره و تار و شیخ حیدر ناگزیر ترک دیار بکر شد.

شیخ حیدر به همراه قزلباشان در ۸۸۸ق رهسپار قفقاز گردید تا انتقام خون پدر را بستاند. اما در آنجا با حملات گزانبوری شروانشاه و سلطان یعقوب آق‌قوینلو روبرو شد و در شرایطی که توانسته بود بخشی از ایده‌آل‌های خود را برای تأسیس دولت عملی سازد و قدرت را به یمن زیرکی و تدابیر فردی تا حدودی متمرکز سازد به قتل رسید. با مرگ حیدر فرزندان او آواره استخر فارس، و پس از مدت‌ها موفق به ورود به خاستگاه خاندان خود در اردبیل شدند. با ازدست رفتن علی و ابراهیم، اسماعیل خردسال به مرشدی صوفیان رسید. صوفیان و مریدان صفوی، اسماعیل را «مرشد کامل» و «پادشاه» می‌پنداشتند که نشان از پذیرش وی هم به عنوان رهبر مذهبی و هم حاکم دنیوی بود. سرانجام او به تحریض مریدان باوفای پدرش از انحطاط آق‌قوینلو سود جست و در سال ۹۰۵ق قیام کرد و این بار مرشد کامل در رأس مریدانی که شعار «قربان اولدوغوم، پیروم، مرشدوم» شان قطع نمی‌شد عازم شیروان برای خونخواهی پدرش شد و با سپردن امور نظامی به دست بزرگان قزلباش سرانجام با فرخ یسار رودرو و با کشتن او اولین گام ترقی را پیمود و با پیروزی بر الوندیگ آق‌قوینلو در آذربایجان، قدرت خود را مستقر نمود که بلامنازع می‌نمود و در تبریز به نام شاه اسماعیل صفوی بر تخت نشست و چنان مقدر گردید که تبریز پایتخت دولت شیعی صفویه شود. در هر حال در زمان شاه اسماعیل جنبه سیاسی شیوخ صفوی بر جنبه صوفیانه آن‌ها غلبه یافت و در سراسر دوره طولانی صفویه این دو بعد گاهی به موازات یکدیگر و گاهی با غلبه یکی بر دیگری سیاست و حکومت را در عصر صفوی رقم می‌زدند. روایت اسکندر بیگ درباره آمیخته‌سازی دین و دولت در دوره صفویه خواندنی است. او از تلفیق سیادت معنوی و زعامت دنیوی این چنین یاد می‌کند: «آن حضرت را روز به روز اسباب حشمت و مکتب زیاده‌تر می‌گشت... تا آنکه جامع سلطنت صوری و معنوی گشته باطناً به

۱. هینتس، پیشین، ص ۱۷.

۲. میراحمدی، پیشین، ص ۴۵.

دستور مشایخ و اهل الله مسالک طریق ارشاد و دین‌پروری، و ظاهراً به آیین سلاطین، مسندآرای سروری بود^۱ نه تنها در این فراز، که اسکندریبگ بارها و بارها در توصیف و تحلیل رخداد‌های دوره صفوی موضوع سیادت معنوی و «برگزیده الهی» دانستن، حکومتداران صفویه را چون اصل اعتقادی خدشه‌ناپذیر و غیر قابل تردید طرح می‌سازد مثلاً می‌نویسد: «در اثنای محاصره قلعه گلستان سروش عالم غیب آن حضرت را (اسماعیل) به تخت سلطنت و پادشاهی آذربایجان مژده داده در عالم رویا «همچنین او خروج شاه اسماعیل را در آغاز کار از گیلان به الهام غیبی»^۲ منسوب می‌سازد. در بخش دیگری از اثر خود مدعی می‌شود که شاه اسماعیل در هر چهار باری که به عراق عجم لشکر کشید «هر مرتبه شاه جمجاه جنت مکان از جنود غیبی و عواطف لاریبی مدد»^۳ می‌یافته است.

۵. تاثیر متغیر شخصیت در استقرار قدرت صفویان

علل تحولات بزرگ اجتماعی - سیاسی از دیر باز توجه فلاسفه را به خود جلب کرده است. برخی از آن‌ها از اساس هر قانونمندی در وقوع رخدادها را انکار کرده و به تصادف در تاریخ باور دارند. بنابراین از دید این‌ها به قدرت رسیدن صفویه نیز معلول یک سری اگرها و وقایع تصادفی بوده است. برخی دیگر از محققان به علت خاصی به وقوع رخدادها اشاره ندارند اما در عین حال از مطالعه رخداد‌های مشابه قصد راه یافتن به نوعی قانونمندی در وقوع تحولات دارند. دسته سومی هم هستند که همه فعل و انفعالات را صرف نظر از شرایط زمانی و گستره جغرافیایی متفاوت واقعه، به صراحت به یک عامل قطعی نسبت می‌دهند. از این شمار می‌توان به راسل اشاره کرد که عشق را موتور و قوه محرکه همه تحولات خرد و کلان دنیا از ابتدا تا انتها می‌داند و یا هگل که اندیشه مطلق و ابن خلدون که عصبیت و مارکس که تضاد طبقاتی و اقتصاد را بن‌مایه همه رخدادها در جهان دانسته‌اند. کسان دیگری نیز اصالت در علل حوادث را به نژاد، جبر تاریخی، تکنولوژی و... نسبت می‌دهند. اندیشمندانی چون نیچه، کارل لایب و پاره تو^۴ اصالت را به نخبگان و در واقع به نقش شخصیت در تکوین و تثبیت تحولات می‌دهند. از دید این‌ها قهرمان با محیط خود مبارزه می‌کند و جامعه را به فرمانبرداری از خود وادار می‌دارد و با تغییر و تعیین مسیر تاریخ به آن مفهوم و معنا می‌بخشد. بعضی از پژوهشگران چون جیمز روزنا^۵ نیز بر آنند که گاه در تصمیم‌گیری به خصوص در سیاست خارجی متغیرهایی چون فرد، نقش محیط ملی و نظام بین‌الملل ایفاگر سهم در فرایند تصمیم‌گیری هستند و به اعتبار برداشت او متغیر فرد یا همان شخصیت به برداشت‌ها و تصورات و ویژگی‌های انحصاری تصمیم‌گیرندگان ارتباط می‌یابد. اگر بخواهیم بر پایه نظریه‌های فوق به سهم شخصیت‌ها در به قدرت

۱. اسکندریبگ، پیشین، ج ۱، ص ۲۸.

۲. همان، ج ۲، ص ۶۴۸.

۳. همان، ج ۳، ص ۱۸۱۳.

۴. برای آگاهی از این نظریه‌ها نگاه کنید به: منوچهری، عباس. *تئوری‌های انقلاب*، تهران، سمت، ۱۳۷۹، ص ۱۳.

5. Rosenu, James. *The Scientific Study of Foreign Policy*, New York, Free Press 1971, p95.

نگاهی به متغیرهای اثرگذار بر دستیابی صفویه به قدرت/ نفیسه واعظ شهرستانی

رسیدن صفویه را نه بررسی همسویه که نگاهی مروری بیفکنیم؛ دست کم باید از سه شخصیت مؤثر به نام‌های جنید، حیدر و اسماعیل یاد نماییم. چرا که توانستند تصور ایده‌آل و در واقع «طرح ویژه فکری» خود را به منصفه ظهور برسانند که در زیر به اختصار به آن پرداخته می‌شود:

الف) تاکتیک‌ها و تدابیر شیخ جنید در تحقق استراتژی صفویان

شیخ جنید که اسکندریبگ از او با صفاتی چون «خسروی گردن‌فراز و بدری از آسمان فتوت»^۱ یاد می‌کند، دست کم با اتخاذ دو شگرد جذب مرید و انجام سفرهای پیگیر تبلیغاتی توانست از «آن تاریخی» روی کرده به نوادگان شیخ صفی به سود تکوین قدرت بهره ببرد. شیخ با جلب مرید که خصلت ذاتی آنان، فرمانبرداری بی‌چون و چرا و آمادگی دائمی برای خدمت به مراد و مرشد است و در واقع به تعبیر این نوشتار «مرید پروری» توانست تا اندازه‌ای زمینه‌ساز قدرت‌یابی صفویان شده و به مریدان صوفی ساختاری تشکیلاتی بدهد که از عناصر لازم برای کسب قدرت می‌باشد و زائرنی را که به سوی زاویه شیخ صفی از اقصی نقاط روان می‌شدند، جهت مقاصد خویش بسیج سازد و افرادی را به نام خلیفه واسطه مرشد و مریدان نماید. حتی به برخی مریدان در اردبیل کارهای اجرایی مثل اطعام فقرا^۲ واگذار می‌کرد.

همچنین جنید با بهره‌مندی از «آن تاریخی» مهمان‌نوازی و روح مسالمت‌جوی اوزون حسن به نوادگان شیخ صفی، شهر «آمد»^۳ را به عنوان مقرر تبلیغی خود قرار داد و با جلب موافقت اوزون حسن، از میان صوفیانی که چشم و گوش به فرمان جنید داشتند «نمایندگانی را به قلمرو آق‌قویونلو برای جذب مریدان جدید» گسیل نمود. جنید برای اشاعه طریقت سیاسی صفوی و برای زمینه‌سازی بیشتر جهت کسب قدرت اقدام به سفر تبلیغی به آتاتولی، سوریه، تکه، قونیه، ورساق و غیره کرد و خشم و نگرانی سلاطین آن روزگار جهانشاه قراقویونلو و عثمانی را برانگیخت. به طوری که آن‌ها خواستار توقف تبلیغات و تبعید او شدند. جنید در آن سفرها تشکیلات شیعی را نضج بخشید و حتی با تبلیغات خود، مردم اربل و شام را بر ضد حکمرانان وقت، تحریک به شورش کرد. البته پیش از او خواجه علی نیز دوازده سال در سفر تبلیغی دزفول به «ارشاد و دلالت مردم مشغول بود»^۴ و پس از او نیز حیدر هم همین تاکتیک را البته به شیوه خود به اجرا درآورد.

ب) تاکتیک‌ها و تدابیر شیخ حیدر در تحقق استراتژی صفویه

شیخ حیدر یا به تعبیر مورخ درباری صفویه «آفتاب برج ولایت» و «آیین تمام‌نمای مذهب حق اثنی‌عشری»^۵ با دو شگرد ابداع کلاه قزلباشی و صبغه «جهاد» بخشیدن به خونخواهی پدر، سهمی در خور

۱. اسکندریبگ، ج ۱، ص ۳۰.

۲. روملو، حسن. احسن‌التواریخ، قسمت نهم، ص ۹۸ به نقل از هیئتس، ص ۹.

۳. همان، ص ۹.

۴. میراحمدی، پیشین، ص ۴۴.

۵. اسکندریبگ، ج ۱، ص ۴۲.

نگاهی به متغیرهای اثرگذار بر دستیابی صفویه به قدرت/ نفیسه واعظ شهرستانی

تأمل در تأسیس سلسله صفویه ایفا کرد. شیخ حیدر طی اقدامی مبتکرانه از مریدان جان برکف خود خواست که کلاه سرخ دوازده ترکی را بر سر گذارند که بر هر ترک آن نام یکی از ائمه دوازده امامی نوشته شده بود. آن کلاه به نام کلاه حیدری و تاج حیدری^۱ شهرت یافت و افرادی که آن کلاه را بر سر گذاشتند قزلباش نامیده شدند. شیخ حیدر مدعی شد که این اقدام را در خواب دیده است. در هر حال از آن تاکتیک به عنوان یکی از نقاط آغاز مرحله خاص سیاسی در طریقت صوفیان صفوی نامبرده می‌شود. یکی از خلیفه‌های شیخ حیدر، به نام «شاهقلی بابا» که منابع ترک از او با نفرت به نام شیطان قلی^۲ نام می‌برند برای تبلیغ و جمع‌آوری مرید به ولایت تکه ایلی ماموریت داشت. در آنجا و به هنگام بازگشت از سفر تبلیغی به ایران با آتش‌افروزی و اقدامات خودسرانه آتش یکی از جنگ‌های ایران و عثمانی را در آینده با تحریکات خود بر افروخت. در مرحله دیگری شیخ حیدر جهت خونخواهی پدرش عازم گرجستان شد و از آن به اسم جهاد یاد کرد و در همان به اصطلاح جهاد نیز کشته شد و مقام کشته شده در راه مقدس (شهید) را در دیده مریدان خود پیدا کرد.

ج) تاکتیک‌ها و تدابیر اسماعیل در تحقق استراتژی صفویه

چنانچه پیش از این ذکر شد، مهمترین تاکتیکی که اسماعیل برای عملی‌سازی آخرین مرحله از مراحل کسب قدرت به آن مبادرت ورزید همان رسمی‌سازی مذهب تشیع بود. تشیعی که عموم محققان دوره صفویه در صمیمیت و صداقت آن تردید و در سیاسی بودن آن شکی ندارند. شاه اسماعیل سعی در ترویج و تبلیغ این باور داشت که نیابت امام زمان حضرت مهدی را بر عهده دارد و «پیش‌بینی شیخ زاهد گیلانی درباره اولاد شیخ صفی که تا قیام قائم آل محمد نایب حضرت مهدی خواهند بود تا کاف کفر را از روی زمین بردارند»^۳ را در دوره حکومت صفوی عملی شده فرض می‌کرد. شاه اسماعیل همچنین با زیرکی ساختار و سنن دیرپای اداری ایرانی مانند تقسیم تشکیلات سیاسی و اداری به دو قسمت درگاه و دیوان و همانندسازی عملکرد نهادهای اداری ایالات با دستگاه حکومت مرکزی را پذیرفت و بر آن پایه فرامینی صادر کرد که تداوم قدرت صفویه را تا سال‌های درازی تضمین کرد.

۱. همان، ج ۱، ص ۱۹. همچنین نک به: عالم‌آرای صفوی (عالم‌آرای شاه اسماعیل) به کوشش یدالله شگری، تهران: بینا، ۱۳۵۰، ص ۳۰.
۲. نوائی، پیشین، ص ۸.
۳. عالم‌آرای صفوی، ص ۱۵.